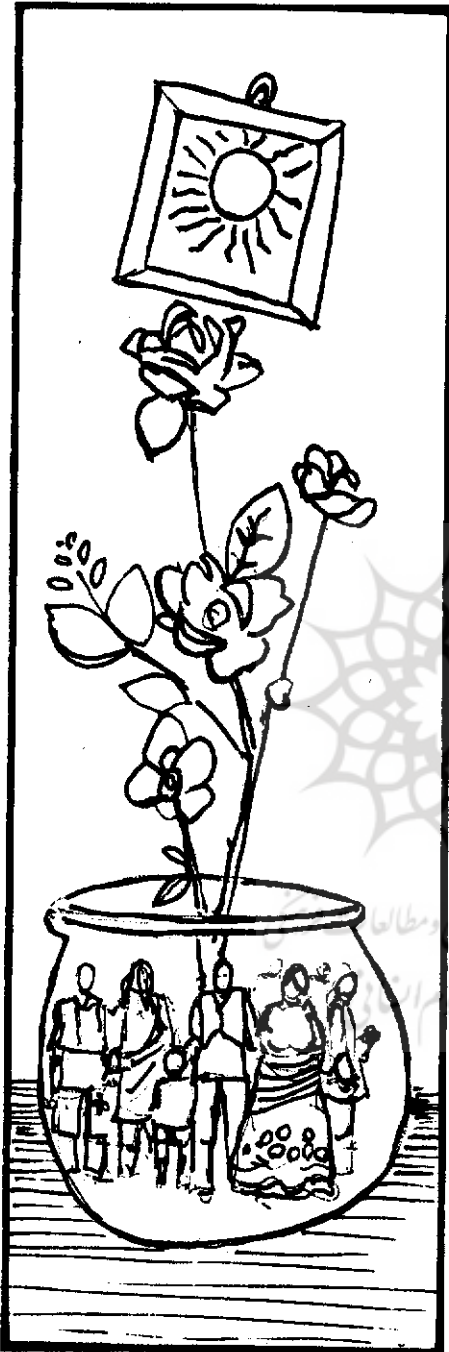


نوروز در تالش



آخرین ماه سال در تالش «Navruzamā» = ماه نوروز» نامیده می شود. با آغاز ماه نوروز همزمان با دیگر گونسی و جنبشی که در طبیعت ظاهر می گردد، مردم دیار مزبور نیز تکاپو و جنبش تازه ای را سر می گیرند. خانه تکانی ها آغاز می شود، اسباب و اثاثیه قابل شستشو را حتی الامکان در رودخانه پر آب می شویند، دیوارهای درونی و بیرونی خانه را با رنگ، آهک یا گل سفید رنگ و رویی تازه می دهند، به وضع ظاهر خانه و محوطه نظم و آرايشی دیگر می دهند. نو کردن و یا پیرایش لباسها سر گرفته می شود، برای سبزه هفت سین گندم و جو و عدس خیس می کنند. در کنار این جنب و جوش برخی آداب و مراسم نیز به اجرا در می آید که از جمله آنها «navruz-numaxuni» = نوروز نامه خوانی» است. نوروز نامه خوانی ها چاوشان نوروز و بشارت دهندگان شب زنده دار بهار و بیک های شادی ها و شکفتن هایند. آنها فعالیت خود را از نخستین شب ماه نوروز آغاز و تا شب چهارشنبه سوری و گاه تا شب عید ادامه می دهند.

نوروز نامه خوانی کاری گروهی است و هر گروه نوروز نامه خوان معمولاً سه نفرند و هر يك از آنها وظیفه مشخصی دارد. نفر اول که خوش صدا تر است تکخوان و نفر اصلی گروه می باشد. دومی «Jigira kar» = دم گیرنده یا همخوان» و نفر سوم «kaš» = kulabār» حمل کننده بار) است. گروه های نوروز نامه خوان هر روز ساعتی پس از

تاریک شدن هوا، گشت و گذار خود در محله‌ها را آغاز می‌کنند و به هر خانه‌ای که می‌رسند بی‌هیچ مقدمه‌ای نوروزنامه‌ای را با آهنگی دل‌انگیز می‌خوانند. هر نوروزنامه‌خوان با تجربه و ماهر چند نوروزنامه از بردارد و گاه چند نوروزنامه به زبانهای مختلف فارسی، تالشی و ترکی. زیرا گاهی پیش می‌آید که صاحب‌خانه‌ای به شنیدن یک نوروزنامه بسنده نمی‌کند و یا عمداً برای خوشی بیشتر و یا آزمون میزان مهارت نوروزنامه‌خوان، از او می‌خواهد که نوروزنامه‌ای به زبانی دیگر بخواند که البته اگر نوروزنامه‌خوان از عهده انجام این خواسته‌ها برآید هدیه بیشتری دریافت می‌نماید.

هدیه‌ای که به نوروزنامه‌خوان داده می‌شود گاه نقدی و گاه چیزهایی از قبیل برنج، قند، جوراب و تخم‌مرغ می‌باشد.

اگر برای خانواده‌ای پیش آمد بدی رخ داده باشد از نوروزنامه‌خوان پوزش خواسته و ضمن دادن هدیه‌ای مناسب از او می‌خواهند که چیزی نخواند. برعکس اگر برای خانواده‌ای پیش آمدی خوب رخ داده باشد بویژه اینکه سرگرم راه‌انداختن عقد و عروسی باشند به نوروزنامه‌خوان هدایای بیشتری داده و از او می‌خواهند که نوروزنامه‌های متنوعی بخواند. هدیه‌ای که باید به نوروزنامه‌خوان داده شود در ظرفی گذاشته می‌شود و به وسیله یکی از اعضاء خانواده با خوشرویی و احترام به نزد گروه نوروزنامه‌خوان برده می‌شود و آنها هدیه را برداشته و ضمن دعای خیر یک شاخه کوچک شمشاد در ظرف خالی می‌گذارند و راهی خانه‌ای دیگر می‌شوند.

صاحب‌خانه‌ای که شاخه شمشاد را از نوروزنامه‌خوان دریافت می‌نماید اگر کشاورز باشد آن را در ظرف یا انبار غله خود می‌اندازد تا در سال جدید کارهای زراعی‌اش به‌خوبی و خوشی پیش برود و محصول بیشتری برداشت نماید و اگر دامدار باشد آن شاخه شمشاد را به‌میان دامهای خود می‌برد تا در سال تازه بلایی بر سر دامهایش نیاید و از آنها حاصل بیشتری بدست‌آرد. مردم تالش شمشاد را درختی مقدس می‌دانند از این‌رو در هر کجا از دیار جنگلپوش تالش که مجموعه‌ای درخت شمشاد وجود داشته باشد آنجا محلی متمسک است و مکانی برای زیارت و دخیل بستن. بیشتر نوروزنامه‌های رایج در تالش به زبان فارسی است و ظاهراً ساخته و پرداخته اشخاصی عوام. هر یک از آن نوروزنامه‌ها اگرچه با آهنگ خاصی خوانده می‌شود ولی ملودی آن آهنگها ثابت نیست یعنی اینکه نوروزنامه ممکن است به وسیله افراد مختلف با آهنگهایی متفاوت خوانده شود. مگر بعضی از نوروزنامه‌ها که به دلایلی آهنگی ثابت و به اصطلاح - جا افتاده - دارند، سرایندگان نوروزنامه‌ها نامشخص‌اند و اغلب بر اثر قدمت زیاد و زبان به زبان گشتن دچار تحریف شدید شده و به‌صورت ایاتی مفلوب و مغشوش درآمده‌اند. آنچه که ذیلاً از نظر تان می‌گذرد نمونه نسبتاً سالم‌تری از نوروزنامه‌های رایج در تالش است. این نوروزنامه که هنوز هم خوانده می‌شود از یک جنگ خطی با تاریخ تحریر ۱۳۲۵ شمسی انتخاب شده است.

گردیده بلبل نغمه‌خوان
آمد بهار ای دوستان.

فصل بهار است این زمان
ایام شادی شد عیان

- | | | |
|-----|-------------------------|----------------------|
| □ | گلها دمیده در چمن | قمری نشسته با سمن |
| | بلبل شده فریاد زن | آمد بهار ای دوستان. |
| □ | گلها شکفته در چمن | شادی کنید اهل وطن |
| | بالاله و با یاسمن | آمد بهار ای دوستان. |
| □ | ای دوستان ای دوستان | خلاق رحمت کرد عیان |
| | شادی نمایید این زمان | آمد بهار ای دوستان. |
| □ | مخلوق همه خرد و کبار | آزرده بودند و نزار |
| | رحم خدا شد آشکار | آمد بهار ای دوستان. |
| □ | خوش روزگار است این زمان | راحت شدند مرد و زنان |
| | از ناله‌های بی‌امان | آمد بهار ای دوستان. |
| □ | ای خالق خلق جهان | رحمی بکن بر عاصیان |
| | نصرت بده اسلامیان | آمد بهار ای دوستان. |
| □ | ای خالق قدرت نما | نصرت بده بر شاه ما |
| | رحمی بکن بر حال ما | آمد بهار ای دوستان. |
| □ | ای خالق کل نصاب | اشاره را کردی قصاص |
| | ما را بکن از غم خلاص | آمد بهار ای دوستان. |
| □ □ | | |

* āgala jang = جنگ با تخم مرغ - تخم مرغ بازی

تخم مرغ بازی یکی از سرگرمی‌های بسیار متداول در ماه نوروز است. این بازی مردانه و ویژه جوانان و نوجوانان است. از آغاز ماه نوروز تا سیزده سال نو، در هر گوشه و کنار و در هر خانه و هر بازار افراد زیادی به این بازی سرگرم می‌شوند. چگونگی بازی مزبور به این شرح است: دو نفر بازیگر در مقابل هم قرار می‌گیرند و در حالیکه هر یک تخم مرغی در دست دارند باهم قرار می‌گذارند که:

۱- «سر به سر و تابتا» یعنی اینکه سرها و ته‌های تخم مرغهایشان را به هم بکوبند.

۲- یا «سر به سر» یعنی فقط سر تخم مرغهايشان را به هم بکوبند و یا بر عکس تمهایشان را. ۳- یا «سر به ای سر» یعنی يك نفر دو سر تخم مرغ خود را به يك سر تخم مرغ نفر دوم بکوبد. ۴- یا «نك به نك» یعنی دوپهلوی تخم مرغهای خود را به هم بکوبند.

پس از شرط نمودن یکی از موارد بالا بر سر اینکه کدام نفر «بنشیند» یعنی تخم مرغ خود را در دست ثابت نگهدارد تا نفر دوم تخم مرغ خود را بر نقطه تعیین شده آن بکوبد، گفتگو درمی گیرد. پس از رسیدن به توافق در این مورد يك نفر به اصطلاح «می نشیند» و نفر دوم «می زند» در نهایت تخم مرغ آن کسی که سالم مانده به عنوان برنده، تخم مرغ شکسته حریف خود را از او می گیرد.

گاهی هم به جای يك تخم مرغ، تعداد زیادی در يك بازی شرکت داده می شود. به این ترتیب که دو نفر هر يك تعدادی تخم مرغ به نسبت مساوی در مقابل خود ردیف می چینند و پس از رسیدن به توافق در مورد شروط، وارد بازی می شوند و تمام تخم مرغهای خود را به هم می کوبند در نهایت آن کس که برایش تخم مرغی سالم باقی مانده باشد به عنوان بازنده تخم مرغهای شکسته اش را به نفر مقابل می دهد.

در بازی تخم مرغ شگردها و حقه های خاصی به کار برده می شود. از جمله:

۱- تخم مرغ را می یزند تا سخت تر شود.

۲- برای اینکه تخم مرغی را بسیار سخت نمایند با مهارت خاصی تمام و یا مقداری از زرده و سفیده اش را خالی نموده و به جای آن موم می ریزند.

۳- برای تشخیص تخم مرغ سخت سر و ته آن را به دندان پیشین می کوبند.

۴- می گویند تخم مرغ سیاه سخت تر است.

* «کوله چهارشنبه *kula-čār-šanba* = چهارشنبه سوری»

کار خرید آخر سال، تدارک ایام عید، خانه تکانی، شیرینی پزی، پیراستن وضع ظاهر و غیره تا سه شنبه آخر سال ادامه می یابد. از این روز دیگر همه با شور حال منتظر طلیمه نوروزند. فضای خانه و آبادی حال و هوایی دیگری دارد. همه در جنب و جوشند. پرتو دلپذیری از شادمانی بزمه جا پاشیده است. همه در صد آند که هنگام با طبیعت، در برابر منظره شکوفایی گلها و گیاهان و بازی و آواز پرندگان، جان و تن را تازه نموده و در ستودن غبار ناملايمات و کدورتها تلاشی داشته باشند. کدوکان و حتی بزرگترها اکنون دیگر لباس تازه و یا مناسب ترین لباس خود را به تن دارند و از شدت کار و فعالیت همیشگی خود کاسته اند. ساعات فراغت بیشتر شده است. اکنون در هر خانه ای کدبانو در صد است که سفره چهارشنبه سوری را مهیا نماید و لوازمات آن را تهیه کند.

در خانه های تالشی معمولاً دو سفره تدارک دیده می شود. اول سفره عام چهارشنبه سوری و دوم سفره خاص و مخصوص اهل خانه در شب و روز چهارشنبه سوری. سفره عام سفره ای است که در شب و روز چهارشنبه در مقابل مهمانان و دید و بازدید کنندگان می گسترند و از محتوای آن به کودکان همسایه و رهگذرانی که دق الباب می نمایند داده می شود. در این سفره هفت نوع «دونه *dune* = غلات بو داده، برشته، مانند گندم، برنج، عدس، ذرت،

تخم کدو، نخود و سویا چیده می‌شود. این غلات و حبوبات را کدبانو یا دختر بزرگ خانواده به وسیله تابه بر روی آتش اجاق برشته می‌کند یا به اصطلاح «بو» می‌دهد. هنگام بودن جهت حفظ یمن، کسی نباید از محتوای نخستین تابه مقداری بردارد و بخورد و یا آن را به دیگری بدهد. در سفره خصوصی هم باید پلو به اضافه هفت نوع خورشت چیده شود یکی از این هفت نوع خورشت بسایند «پته *pata* = سبزیجات پخته» باشد. پته سفره چهارشنبه‌سوری نیز باید مرکب از هفت نوع سبزی وحشی و بوستانی باشد. همانطور که اشاره شد سفره خوراکی‌ها، مخصوص اهل خانه در شب چهارشنبه‌سوری و مهمانانی که احياناً در آن شب از راه می‌رسند، می‌باشد. کدبانوی خانه پیش از گذردن سفره شام از هر نوع خوراکی‌ای که تهیه نموده است مقداری برمی‌دارد و با آنها سفره هفت قلم جداگانه‌ای تشکیل می‌دهد که آن را «*čāršanba xātuna safra* = سفره خاتون چهارشنبه» می‌گویند. این سفره ویژه را در گوشه‌ای از خانه می‌گذارند و تا صبح روز بعد کسی به آن نزدیک نمی‌شود. تالشی‌ها عقیده دارند که در شب چهارشنبه‌سوری پس از آنکه اهل خانه به خواب می‌روند فرشته چهارشنبه‌سوری یا همان خاتون چهارشنبه به آنجا سر می‌زند و اگر در خانه‌ای سفره ویژه با هفت نوع خورشت را نبینند مکدر و آزرده می‌شود.

* آتش‌افروزی

در تالش نیز مانند دیگر نقاط ایران در شب چهارشنبه آخر سال، مراسم آتش‌افروزی برگزار می‌گردد. روز سه‌شنبه هنگامی که هوا تاریک شد در مقابل هر خانه‌ای هفت کوهه آتش افروخته می‌شود و اهل خانه همگسی، حتی بیماران، در حالیکه بزرگترها کودکان خردسال را در آغوش دارند حداقل سه بار از روی کوهه‌های آتش می‌پرند و این جمله‌ها را می‌خوانند:

آتش، آتش چهارشنبه
 نکبت برود دولت بیاید
kulu kulu čār-šanba
nugbat bašu davlat bu
 خاکستر بازمانده از آتش چهارشنبه‌سوری را در مزارع می‌پاشند و باور دارند که آن خاکستر موجب دفع آفات می‌شود.

* دستمال اندازی

در بیشتر نواحی تالش، در شب چهارشنبه‌سوری افرادی بخصوص مانند نوروز-نامه‌خوانها به درخانه دیگران می‌روند و پنهانی دستمالی بزرگ و خوش رنگ را که در یک گوشه آن مقداری گل بنفشه و پامچال بسته شده است از شکاف در یا پنجره به درون خانه می‌اندازند. صاحب‌خانه آن دستمال را برمی‌دارد و با خوشدلی هدیه‌ای در گوشه دستمال بسته و آن را به صاحبش پس می‌دهد البته بی آنکه سعی کند آن شخص یا اشخاص را شناسایی کند.

* فال گیری

جوانان اعم از دختر و پسر در شب چهارشنبه سوری، هر يك يا دو نفر باهم نیت نموده و پنهانی خود را به پشت در خانه ای می رسانند و بی آنکه دیده شوند به صحبت های افراد داخل خانه گوش فرا می دهند. جملات اولی را که شنیدند آن را می سنجند. اگر معنی و مفهومی نیک داشته باشد آن را به فال نیک گرفته و باور دارند که در رابطه با نیتی که کرده اند مرادشان بر آورده خواهد شد ولی اگر جملات شنیده شده بد و ناپسند باشد آن را نشان نامرادی در موضوع مورد نیت تعبیر می نمایند. اینگونه فال بینی را اشخاص برای خود و هم برای دیگران انجام می دهند.

* ترکه زنی

صبح روز چهارشنبه پیش از دمیدن آفتاب سالمندترین فرد خانواده زودتر از دیگران از خانه بیرون رفته و ترکه ای را از درخت یا از پرچین مقابل خانه جدا می نماید و آنگاه دوباره به درون خانه می رود و با آن ترکه به ملایمت بر پشت کودکان و نوجوانان می زند و می گوید:

pir-o zairun babi =

پیرو خرم بشوی

بر پشت بزرگترها می زند و می گوید:

sada sāla babi.

صدساله بشوی

dašmendar kur babu.

دشمنت کور بشود

بر پشت بیمار می زند و می گوید:

dard-o balār dur ābu

درد و بلایت دور بشود.

و بالاخره به هر کس به مناسبت سن و جنس و احوالش چیزی می گوید و آنگاه از خانه خارج می شود و با آن ترکه بر پشت دامها می زند، با آن بر انبار غله و کندوی عسل می زند و در هر مورد نیز با بیان جملاتی مناسب دعای خیر می نماید.

* پریدن از روی آب روان

پس از انجام ترکه زنی همه اهل خانه به کنار رودخانه یا نهری پر آب می روند و به نیت رفع بلا و در پیش داشتن سالی خوش و سرشار از شادی و تندرستی چند بار از روی آب روان به این سو و آن سو می پرند.

* نوروز

چهره کلی نوروز در تالش تقریباً همانند دیگر جاهای ایران است. شور و نشاطی که از آغاز ماه نوروز آغاز شده در ساعات تحویل سال به اوج می رسد. تا آن هنگام هر خانواده در حدی که توانش را داشته سفره نوروزی را رنگین کرده است، لباسهای کهنه را از تن در آورده و به وضع ظاهر خانه و کاشانه اش رنگی و نمایی تازه داده است و دیگر همه بر سر آنند که چشم از هر آنچه ناخوش است و ناخوشایند ببوشند و جز به مهر و

شادمانی به چیزی نیندیشند. از بامداد روز عید سفره پذیرایی از دید و بازدیدکنندگان در هر خانه‌ای گسترده است و در آن حلوهای محلی، میوه، آجیل، غلات و حبوبات برشته و رچیده شده و در میان سفره سینی محتوی هفت‌سین، همراه با آینه و قیچی و قرآن نیز به چشم می‌خورد تا کسانی که در کنار سفره می‌نشینند به‌شگون خوش‌نگاهی به آینه افکنند و با قیچی گوشه‌ای از سبزه هفت‌سین را بچینند و اهل صدق بوسه‌ای بر قرآن زنند. کودکان و نوجوانان در این روز در محله‌ها راه می‌افتند و به هر خانه‌ای که می‌رسند در آستانه درمی‌ایستند. نوروز و سال نو را به صاحب‌خانه تبریک می‌گویند و از او حلوا و آجیل و گاه تخم مرغ رنگ‌شده می‌گیرند.

* بخت‌گشایی

دخترانی که دوران بلوغ و جوانی خود را می‌گذرانند و از هر لحاظ آماده ازدواج هستند ولی هنوز همسر مناسبی نیافته‌اند و فکر می‌کنند که بختشان خوابیده است صبح روز عید نوروز دور از چشم دیگران یک تیکه قند و یک تیکه نمک را در گوشه‌ای از محوطه خانه خود در زمین دفن می‌کنند و صبح روز سیزده سال به سراغ آن رفته و خاک و خاشاک رویش را پس می‌زنند. اگر آن تیکه‌های قند و نمک آب شده و از بین رفته باشند باوردارند که گزه بختشان گشوده و در آن سال ازدواج خواهند کرد.

* بارعام

در روز نوروز و حتی روزهایی پس از آن در بیشتر خانه‌ها سفره عام شام و ناهار گسترده است و هر کس از آشنا و غریب که به‌هنگام از راه برسد در جمع اهل خانه به‌دور سفره می‌نشیند و غذا می‌خورد. مستمندان و نیازمندان در این ایام به‌هر خانه‌ای که سر می‌زنند هدایایی نقدی یا جنسی مناسبی دریافت می‌نمایند. توجه اهالی در ایام نوروز به نیازمندان چشمگیرتر از هر زمانی است.

* روز سیزده سال

روز سیزدهم سال نو روز گشت و گذار و تفریح است. مردم لباسهای تازه خود را می‌پوشند و از خانه بیرون می‌آیند و دسته دسته راهی میعادگاه‌های ویژه سیزده سال می‌شوند «*parda gusha* = گوشه، کنار پل» پونل یکی از معروف‌ترین میعادگاه‌های سیزده سال است. اهالی منطقه از نقاط دور و نزدیک، صبح روز سیزده به «برده گوشه» می‌روند و یکایک چند بار از روی آب رودخانه شفا رود، که در محل مزبور جریان دارد، عبور می‌کنند. سپس به‌گردش و تفریح می‌پردازند. از فروشندگانی که بساط گسترده‌اند وسایل می‌خرند. دسته دسته در جاهای مناسب، بر روی چمن‌ها و در کنار رودخانه می‌نشینند، صحبت می‌کنند، چای می‌نوشند، ناهار می‌خورند و بدین ترتیب به اصطلاح سیزده خود را درمی‌کنند و روزی را به‌خوشدلی سپری می‌نمایند.

در شب سیزده سال اهل هر خانه‌ای می‌کوشد که خوشرویی خود را حفظ کند و در هیچ موردی سبب جدال و اختلاف نشود، چون باور دارند چنین اعمالی موجب می‌شود که تا آخر سال جزا و بحث و اختلاف در بین اهل خانه باقی ماند.

■ آتش سیزده

در برخی نقاط تالش به ویژه در دیناچال و حوالی پره سر، در شب سیزدهم سال نو، به نیت اینکه تا پایان سال نو از حوادث و بلاها در امان باشند با استفاده از هفت ماده مختلف مانند برنج و عدس و نخود و پیاز و غیره آشی می‌پزند که به آن «*galiās*» گفته می‌شود. وقتی آتش را پختند آن را درسته در گوشه‌ای می‌گذارند و صبح روز سیزدهم مقداری از آن را جهت مصرف اهل خانه باقی گذاشته و بقیه را بین سیزده نفر از همسایگان تقسیم می‌کنند.

و اما... در زمانی که این مطلب تنظیم می‌گردد بسیاری از باورها، آداب و آیین‌هایی که شرح داده شد منسوخ گردیده است و در صدکمی از مردم به شیوه گذشته به آن دلبستگی نشان می‌دهند. دیگر صدای گرم و نویدبخش نوروزنامه خوانها کمتر شنیده می‌شود و اگر هم در شب‌های ماه نوروز زمزمه‌هایی در محلات پیچد از سوی کودکانی است که نه از نوروزنامه چیزی می‌دانند و نه از نوروزنامه خوانی. دیگر بازی سرگرم کننده تخم مرغ بازی رواج ندارد و حتی از اهدای تخم مرغ‌های رنگ شده هم خبری نیست دست و دل بیشتر مردم برای بذل و بخشش‌های عیدانه و گستردن سفره‌های رنگین چندان باز نیست. اگر هنوز نوروز و چهارشنبه سوری و سیزده سال منسوخ نگردیده و مردم در اجرای مراسم و رعایت آداب آن دلبستگی نشان می‌دهند ولی دیگر آن حال و هوای پرشکوه گذشته را ندارند.

«هنگامی که من ثروت و دارایی هنگفت سرزمین هند را در نظر می‌آورم و می‌بینم آنچه من از آنجا ربودم و به انگلستان و طنم آوردم نسبت به آنچه باقی ماند چقدر ناچیز و حقیر بوده است از انصاف و اعتدال خود متحیر می‌شوم.»

رابرت کلیو نماینده بریتانیا در کبیر